

مفاهیم غنایی در رمان نوجوان

زینب شیخ حسینی

چکیده

بیان احساسات شخصی در مفهوم گسترده آن در قالب نظم و نثر همواره در دوران‌های مختلف مورد توجه شاعران و نویسندگان ادب فارسی قرار گرفته است. نوجوانی دوره‌ای است که در آن فرد با رشد هیجان و احساسات (در مفهوم گسترده) مواجه است؛ از این رو نوجوان به خواندن کتاب‌هایی که او را با این ویژگی‌ها آشنا سازد، علاقه‌مند است و با همانندسازی با شخصیت‌های داستان از این آثار تأثیر می‌پذیرد. در پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به تحلیل انواع غنایی در یازده رمان برتر نوجوان پرداخته‌ایم تا به این سؤال پاسخ دهیم که نویسندگان رمان نوجوان کدام نوع غنایی را در آثار خود منعکس نموده‌اند؟ و آیا انعکاس انواع غنایی در این آثار متناسب با مخاطب نوجوان می‌باشد؟ با توجه به تحقیقات انجام شده به این نتیجه رسیدیم که انواع غنایی از نظر محتوا در رمان نوجوان، به صورت توصیف، شکواییه، نوستالوژی، مرثیه، عشق و طنز نمایان شده است و نویسندگان از این مفاهیم به صورت مضامینی فرعی در لایه‌های اثر بهره‌مند شده‌اند.

کلید واژه‌ها: نوجوانی، رمان نوجوان، انواع غنایی.

۱-مقدمه

نوع غنایی که انعکاس عواطف و احساسات درونی فرد در قالب کلمات است، « بیان‌کننده شادی‌ها، غم‌ها و آرزوهای فردی او خصوصاً عشق است.» (رزمجو، ۱۳۸۵: ۴۸) سخن‌گفتن از

-استادیار رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حضرت نرجس (س) (نویسنده مسئول)

Email: zhosseyni@narjesrafsanjan.ir

تاریخ پذیرش: ۹۶/۳/۱۹

تاریخ دریافت: ۹۵/۹/۸

احساسات شخصی، علاوه بر شعر در نثر فارسی نیز رواج داشته است. در قرن بیستم و تقریباً هم‌زمان با رمانتیسیم، علاوه بر شعر غنایی، رمان غنایی نیز پدید آمد. در این نوع رمان، روایت سنتی تحت‌الشعاع نحوه افکار درونی، احساس‌ها و حال‌وهواها قرار می‌گیرد. طبق نظر رالف فریدمن (Ralf Friedman)، رمان غنایی مواد و مصالح داستان مثل شخصیت‌ها، پیرنگ‌ها و صحنه‌ها را در الگوی تصویری به کلی تغییر شکل می‌دهد. این نوع رمان به گونه‌ای شگفت و عجیب به نظر می‌آید و تا حدودی اصالت خود را حفظ می‌کند. نمایش مستقیم آگاهی به شکلی است که آن‌را در مرز میان شعر و رمان قرار می‌دهد. (میرصادقی، ۱۳۸۵: ۴۷) نوجوانی دوره‌ای است که حیات عاطفی فرد گسترش یافته، رشد هیجان‌ات و احساسات بخش اصلی ویژگی این دوران را تشکیل می‌دهد؛ از این جهت آثاری که برای نوجوان نوشته می‌شود، باید مسائلی را که نوجوان با آن در ارتباط است، ارائه دهد؛ زیرا «کودکان و نوجوانان ضمن داستان‌ها و افسانه‌ها با حقایق و تجارب زندگی آشنا می‌شوند: شادی و غم، کامیابی و ناکامی، امیدواری و نومیدی، محرومیت، ستم و ستمکار، عدالت و عادل، علم و عالم، دموکراسی و استبداد و خلاصه، همه رنگ‌های زندگی را تجربه می‌کنند و آشنا می‌شوند. نقل حکایات و ذکر وقایع و حوادث و داستان‌سرایی از جمله هنرهای زیباست که از قدیم‌ترین هنرها در جهان به شمار می‌رود و بیش از سایر انواع هنر در پرورش کودک و انتقال تمدن و فرهنگ و اطلاعات آباء و اجداد به فرزندان مؤثر بوده است.» (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۸: ۷۵)

۱-۱- بیان مساله و سوالات تحقیق

رمان غنایی، بیشتر در رمان‌های جریان سیال ذهن نمود یافته است و در میان آثاری که برای نوجوانان نوشته شده است این نوع، یافت نشد. از این‌رو در پژوهش حاضر سعی شده است با بررسی یازده رمان نوجوان که تاکنون در جشنواره‌های مختلف جوایزی را دریافت نموده، به عنوان رمان برتر شناخته شده‌اند، انواع غنایی رمان نوجوان را مورد بررسی قرار دهیم تا به این سؤال پاسخ دهیم آیا نویسندگان رمان نوجوان انواع غنایی را در نوشته‌های خود به خوبی و با توجه به ویژگی‌های مخاطب خود منعکس کرده‌اند؟ کدام یک از مضامین غنایی در این آثار بسامد بیشتری دارد؟

۱-۲- اهداف و ضرورت تحقیق

نوجوانی یکی از مهم‌ترین دوره‌های زندگی انسان است که رشد هیجان‌ها و عواطف از ویژگی‌های اصلی این دوره می‌باشد. به دلیل همانندسازی نوجوان با شخصیت‌های داستانی، رمان ابزار مناسبی برای آشنایی کودک با مفاهیم مختلف زندگی است؛ از این‌رو ضروری است با بررسی رمان‌های مختلف به تحلیل مضامین عاطفی و غنایی موجود در این آثار پرداخت تا انواع غنایی در رمان نوجوان شناخته شوند.

۱-۳- روش تفصیلی تحقیق

اطلاعات این تحقیق به شیوه کتابخانه‌ای و بر مبنای روش توصیفی-تحلیلی گردآوری شده است. ابتدا اطلاعات مورد نیاز درباره انواع غنایی یادداشت برداری شد و سپس با مطالعه ده رمان برتر، انواع غنایی در آنها مورد مطالعه قرار گرفت. بعد از آن به تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده پرداختیم و فراوانی هر یک از انواع غنایی به صورت نمودار نشان داده شد؛ با توجه به اینکه در میان آثار نوجوان رمان غنایی یافت نشد، نگارنده آثار نویسندگانی مورد مطالعه قرار گرفتند که در جشنواره‌های مختلف جوایزی دریافت کرده‌اند؛ علاوه بر این تعداد رمان‌های بیشتری را مورد مطالعه قرار داد تا اطمینان بیشتری از نتایج تحقیق حاصل شود. این آثار عبارتند از: ۱- «هستی» و «عقرب‌های کشتی بمبک» اثر فرهاد حسن‌زاده ۲- مجموعه پارسیان و من در سه جلد با عنوان‌های «کاخ ازدها»، «راز کوه پرنده» و «رستاخیز فرامی‌رسد» نوشته آرمان آریین ۳- «گرگ‌ها از برف نمی‌ترسند» و «عقاب‌های تپه شصت» اثر محمد رضا بایرامی ۴- «گردان قاطرچی‌ها» داوود امیریان ۵- «شما که غریبه نیستید»، از هوشنگ مرادی کرمانی ۶- «سنگ‌اندازان غار کبود»: داوود غفارزادگان ۷- لالایی برای دختر مرده اثر حمیدرضا شاه‌آبادی.

۱-۴- پیشینه تحقیق

"بررسی برخی از عناصر عاطفه در شعر کودک و نوجوان" (خلیلی، ۱۳۹۳). در این پژوهش نویسنده به بررسی عناصری مانند نوستالژی، انتظار، مرثیه و همدلی در شعر معاصر کودک و نوجوان پرداخته است. "بررسی ارتباط احساس و عاطفه با داستان‌نویسی نوجوان با موضوعیت دفاع مقدس" (فراهانی و ابراهیمی هژیر، ۱۳۹۳) نویسندگان در این مقاله با بررسی محتوای عاطفی داستان‌های کودک و نوجوان بسیاری از مسائل نهفته در روایات نویسندگان را تحلیل کرده‌اند.

"بررسی و تحلیل دوران مایه عشق در رمان نوجوان بین سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۸۰" (کبیرنژاد، ۱۳۹۲) در این پایان‌نامه مفهوم عشق در رمان نوجوان با توجه به نظریه اریک فروم تحلیل شده است. با وجود تحقیقات فوق تاکنون تحقیقی راجع به انواع غنایی رمان نوجوان صورت نگرفته است.

۲- انواع غنایی در رمان نوجوان

در نوع غنایی، احساسات شخصی فرد در وسیع‌ترین مفهوم آن بیان شده است. نثر غنایی داستانی است با لحنی خاص که مناسب نوع غنایی است، نوشته می‌شود؛ بنابراین موضوع آن فقط در مسایل عاشقانه خلاصه نمی‌شود. آن چیزی در که نثر غنایی مهم است دارا بودن شرایط یک موضوع غنایی است؛ از قبیل: احساسی بودن، درونی بودن و پرداختن راوی به خود. ممکن است آثاری که از آنها به‌عنوان نثر غنایی یاد می‌کنیم به طور مطلق غنایی نباشند، بلکه در جاهایی خاص موضوعات غنایی مثل توصیف‌های عاشقانه ناشی از دیدن یک صحنه و امثال آن در لابه‌لای داستانی عاشقانه مطرح شود و نثر حالت غنایی به خود بگیرد. (رمضانی، ۱۳۹۱: ۱۶۰-۱۶۱)؛ از این جهت اگر ویژگی‌های شعر غنایی مثل: عشق، مطرب، باده، شاهد، اندوه، سوگ، معانی رقیق و لطیف عرفانی، خشم، شهوت، لذت و الم، تخیل، تفاخر و... (حاکمی، ۱۳۸۶: ۲۲) وارد نثر شوند، و به توصیف احساسات شخصی نویسنده پردازند، به نثر جنبه غنایی بخشیده‌اند و می‌توان این انواع غنایی را در نثر نیز مورد مطالعه قرار داد. نوجوانی یکی از پیچیده‌ترین گروه‌های سنی است که از سال‌های ۱۲ تا ۱۸ سالگی آغاز می‌شود. «شروع آن بابلوغ است و با عهده‌دار شدن مسئولیت‌های بزرگسالی پایان می‌یابد... دوره نوجوانی ممکن است در جوامع ابتدایی‌تر کوتاه باشد و در بعضی جوامع پیشرفته طولانی‌تر.» (خدایاری‌فرد، ۱۳۹۰: ۴) در این دوره فرد، با تغییرات بدنی و اخلاقی زیادی مواجه می‌شود. ویژگی‌های جنسی به شدت رشد می‌کند. استعدادهای هنری شخص ظاهر شده، به مسائل اخلاقی و فلسفی علاقه‌مند می‌شود؛ در نتیجه نوجوان به خواندن مطالبی علاقه‌مند است که او را با این تغییرات آشنا سازد و با شرایط جدید سازگار نماید. در این دوره «بلوغ، رشد سریع‌تری می‌یابد و توجه جوانان به جنس مخالف جلب می‌شود. در عین توجه به کتاب‌های مربوط به جنسیت، تفاوت سلیقه بیشتری در کتاب‌های مورد مطالعه بروز می‌کند.» (غفاری، ۱۳۸۴: ۴۳) احتیاج به امنیت خاطر مادی و معنوی، نیاز به محبت، احترام، لذت بردن از زیبایی‌ها از جمله اساسی‌ترین نیازهای اساسی فرد بعد از نیازهای جسمی هستند. کشف محبت بین بزرگترها و دلدادگان، روابط بین دختر و پسر و... تجربیات تازه‌ای است که کتاب در اختیار نوجوان قرار می‌دهد (حجازی، ۱۳۹۰: ۷۰) و نوع غنایی

قالب مناسبی برای نمایش این احساسات و افکار نوجوان می‌باشد. شاعران و نویسندگان آثار و عواطف شخصی خود را به شکل‌های مختلفی مثل توصیف، شکایت، مرثیه، احساسات عاشقانه و... نمایان می‌سازند. با دقت در آثار مورد نظر، به شناسایی این انواع در رمان نوجوان خواهیم پرداخت:

۲-۱- توصیف

توصیف یکی از گونه‌های ادب غنایی است که «هدف آن ارائه تصویری ذهنی از تجربه انسان از یک صحنه، شخص، یا احساس است.» (داد، ۱۳۸۰: ۷۶)؛ در نتیجه توصیف یا بیرونی است مثل وصف طبیعت، معشوق و... یا درونی است و نویسنده در آن با ذکر جزئیات دقیق، حالات روحی-روانی شخصیت را بیان می‌کند. در رمان عقاب‌های تپه شصت، احمد به طبیعت علاقه زیادی دارد و دیدن آن، او را به هیجان می‌آورد: «تمام زمین مثلثی شکل پای تپه را گل‌های خودرو پوشانده. از شوق، قلبم تندتر از همیشه می‌زند. تا به حال هیچ وقت این همه گل را یکجا ندیده‌ام. گل‌هایی از همه‌رنگ و همه نوع؛ گل‌هایی که به رنگ بنفش، سفید، آبی، زرد، صورتی و بیش‌تر از همه سرخ. خرمن گل‌های سرخ تا آن دورها، تا پیچ تپه کشیده شده.» (بایرامی، ۱۳۸۸: ۲۷) آراین نیز احساس طبیعت و زیبایی‌های آن این‌گونه توصیف می‌کند: «کوه‌های بلند و ستیغ‌های برافراشته پر برف که منظم و مستحکم تا آنجا که دیگر مه آنها را می‌پوشاند، ادامه داشتند. بستر دشت‌های پهناور با رودخانه‌های زیبا و خروشان که تا دور دست، به امتداد کوهستان پیش می‌رفت و آبشارهای زیبا و پرندگان رنگارنگ، پروانه‌های سفید و زرد، گاوها و گوسفندهای پرشیر و پشم و گوشت و چندین و چند ده با خانه‌ها و مزرعه‌ها و مردمی که با آنها کار می‌کردند و دور و نزدیک از هم در گوشه دشت پخش بودند.» (آراین، ۱۳۹۱، ج ۱: ۵۲) توصیفات که هر دو نویسنده ارائه داده‌اند، به خاطر ذکر جزئیات دقیق، عینی شده است و مخاطب می‌تواند آنها را در مقابل خود ببیند؛ از این جهت هر دو در ارائه تصاویر دقیق موفق عمل کرده‌اند. وصف معشوق یکی دیگر از انواع توصیف بیرونی است که به ندرت در رمان نوجوان نمایان شده است. این نوع از توصیف بیشتر در رمان‌های آرمان آراین مشاهده شده است. توصیفات او به نسبت سایر نویسندگان بی‌پرده‌تر است. رستم و سیاوش در ساحل رودخانه دخترانی را که مشغول آب‌تنی بودند، می‌بینند؛ سیاوش این منظره را این‌گونه توصیف می‌کند: «چشمم را بی‌اختیار بر تمام زیبایی‌هایی که در این تابلوی زنده روبرویم بود، دواندم... موهای سیاه و بلندشان بر بازوان و سینه‌های سپیدشان پریشان بود و اندام جوان‌شان در

تحرك و شیطنت جلوه گر می‌شد.» (آرین، ۱۳۹۱، ج ۱: ۹۵) در عقرب‌های کشتی بمبک راوی با استفاده از الفاظ طنزآمیز به توصیف گل‌دونه می‌پردازد. «از هم‌چه آدم ناتویی یک دختر به دنیا آمده بود عینهو باقلوا. نه اینکه من آدم هیزی باشم نه به ارواح خاک ننه‌ام! یعنی به چشم خواهری دخترش خیلی خانم و با شخصیت و خوشرو بود...» (حسن‌زاده، ۳۴).

نویسندگان رمان نوجوان گاهی نیز به توصیف حالات روحی شخصیت‌های داستان پرداخته‌اند. نویسنده در رمان رستاخیز فرا می‌رسد، با ذکر جزئیات دقیق احساسات بردیا هنگام دیدن "بهار" حالات درونی او را نمایان ساخته است. «کمی دیگر به چشم‌های هم خیره شدیم و او بیرون رفت. بهار! به واقع زمستان از من رخت بر بسته بود و احساس سلامت کامل داشتم. اگر چه ترجیح می‌دادم تا زمانی که او پرستارم است مریض بمانم! چشم‌هایم را بستم و سعی کردم با دماغ گرفته عطر به جای مانده از او را در چادر حس کنم. آیا من عاشق شده بودم؟» (آرین، ج ۳، ۱۳۹۱: ۱۵۵) حسن‌زاده با استفاده از جملات کوتاه حالات درونی هستی را هنگام دریافت گردنبند و شنیدن خبر شهادت شاپور، به نمایش گذاشته، خواننده را تحت تأثیر قرار می‌دهد. «دست ندادم فقط روبروسی کردم که رازم از مشتم نزند بیرون. هیچی نگفتم یعنی بغضم گره شده بود وسط گردن و گلویم... برای پاهای سست و بی‌حسم هیچ چیز بهتر از نشستن نبود.» (حسن‌زاده، ۱۳۹۳: ۲۶۲) مرادی کرمانی اگر چه بیش از آن که به بیان عواطف و احساسات خود پردازد ماجراهای تلخ کودکی اش را به تصویر کشیده است؛ اما مواردی که احساسات خود را به صورت کوتاه و گذرا بیان کرده است، خواننده را تحت تأثیر قرار می‌دهد و گویی آن احساس را همراه با راوی تجربه می‌کند. زمانی که مهینو زمین می‌خورد، شوهر عمه‌اش بدون اینکه از مهینو علت پاره شدن لیش را بپرسد هوشنگ را متهم کرده، سیلی می‌زند. «چشم‌هایم پر از اشک می‌شود دلم می‌شکند. سرم را می‌اندازم پایین و از خانه عمه بی خداحافظی می‌روم» (مرادی کرمانی، ۱۳۸۴: ۱۰۵).

در لالایی برای دختر مرده نویسنده به ندرت به توصیف حالات روحی شخصیت‌ها پرداخته است و به سرعت نیز از آنها عبور کرده است. «انگار مرا نمی‌شناخت. نمی‌دانم از کی، اما انگار با هم غریبه بودیم» (شاه‌آبادی، ۱۳۸۷: ۲۲) نویسنده با همین توصیف کوتاه به بیان احساسات درونی زهره نسبت به پدرش می‌پردازد و به نظر می‌رسد انتقال عواطف درونی در این متن به خوبی به خواننده منتقل نمی‌شود.

۲-۲-شکواییه

شکواییه یکی از انواع غنایی است که «بر اشعاری اطلاق می‌شود که شاعر در قبال ناملايمات و محرومیت‌های وارده بسراید و حکایت از رنج و اندوه و یأس و ناکامی و تیره روزی و بدبختی گوینده آن کند» (مؤتمن، ۱۳۶۴: ۲۸۸). در با توجه به گوناگونی مضامین شکواییه‌ها در ادب فارسی، پژوهشگران بر پایه محتوا، شکواییه‌ها را به پنج دسته: ۱- فلسفی: اعتراض به نظام هستی و شکایت از روزگار (روزگار ۲) عرفانی (شکایت از دشواری‌های سیر و سلوک و فراق جانان) (۳) اجتماعی: شکایت از دردها و نابه‌سامانی‌های حاکم بر جامعه (۴) سیاسی: اعتراض و انتقاد و افشای حاکمان بیدادگر (۵) شخصی (شکوه از درد و رنج‌های جسمی و روحی و مشکلات شخصی) تقسیم کرده‌اند (سرامی، ۱۳۷۵: ۳۲۴). شکایت از روزگار در نثر فارسی را می‌توان در آثار تاریخی قرن پنجم هجری نیز مشاهده نمود. در قرون هفتم و هشتم با ادبیات مطایبه‌ای مثل کلیات عبید زاکانی روبه‌رو می‌شویم که در واقع قالبی است برای بیان شکایت‌های دردناک و بغض‌های گره شده اجتماع (فضیلت، ۱۳۹۱: ۲۴۲).

۲-۲-۱-شکواییه شخصی

در این نوع از شکواییه، احساسات شخصی فرد نشان داده می‌شود و فرد از چیزی که در زندگی شخصی، وی را آزرده است شکایت می‌کند. بی‌توجهی‌های پدرهستی نسبت به وی سبب شده که او فکر کند فرزند پدرش نیست و همیشه از این وضعیت نزد خاله و دایی خود شکایت می‌کند. «خاله قصه زال را گفته بود. گفته بود سیمرغ دو تا از پرهایش را می‌دهد به زال و می‌گوید هر وقت کارم داشتی پرم را آتش بزن. چرا من پری نداشتم از دایی جمشید که آتش بزنم؟ که بگویم بابا از دستم خسته شده که مرا نمی‌فهمد و دوستم ندارد...» (حسن‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۹۹). در رمان شما که غریبه نیستید، عمو و اطرافیان هوشنگ از اینکه پدر هوشنگ خل و چل است و مخارج هوشنگ برعهده آنهاست گله می‌کند. با اینکه خانواده و مردم روستا هر اتفاق بدی را به پیشانی هوشنگ نسبت می‌دهند و از وجود او شاکی هستند؛ اما خود هوشنگ در هیچ قسمتی از داستان شکوه نکرده است؛ باین حال اعتقاد دیگران در ناخودآگاه او اثر گذاشته است و در پایان می‌گوید: «بیشتر درشتی - های زندگی را نرم کردم، فقط زورم به یکی از آنها نرسید. نمی‌رسد. مدام، در هر حال، فکر می‌کنم الان برای یکی از عزیزانم اتفاق بدی می‌افتد» (مرادی کرمانی، ۱۳۸۴: ۳۴۴).

۲-۲-۲- شکایت فلسفی

در هنگام بحران روحی، شخص برای رهایی از درد و رنج آن، زبان به شکایت از دستگاه آفرینش و روزگار می‌گشاید. در رمان گرگ‌ها از برف نمی‌ترسند، فتاح پدر و مادر خود را در زلزله از دست می‌دهد. او خواهرش را از زیر آوار بیرون کشیده اما بعد از یک شب، او نیز می‌میرد. فتاح زبان به گله از خداوند باز می‌گشاید: «به من چی داده آقا ناصر؟ چی داد؟ همه کسم را از من گرفت. همه کسم را. فقط خودم را باقی گذاشت که زجر بکشم» (بایرامی، ۱۳۸۷: ۲۶۹).

رمان رستاخیز نیز با این نوع شکایت آغاز می‌شود. راوی از اینکه هنگام تولد از او نمی‌پرسند، می‌خواهد به دنیا بیاید یا نه؟ گلایه می‌کند و با بیان اینکه هنگام تولد نمی‌توانی پدر و مادر یا کسورت را انتخاب کنی و نمی‌دانی آنها فقیر هستند یا نه؟ ذهن مخاطب را آماده می‌سازد تا با داستانی مواجه شود که شخصیت اصلی آن از اوضاع زندگی خود راضی نیست و از خانواده‌ای که در آن به دنیا آمده است گله‌مند است (آرین، ۱۳۹۱، ج ۳).

۲-۲-۳- شکواییه سیاسی- اجتماعی

این نوع شکواییه‌ها از ناهماهنگی‌های جامعه آرمانی شاعر با جامعه‌ای که وی در آن زندگی می‌کند، سخن می‌گوید. اردشیر در رمان کاخ اژدهاسفیری به گذشته اساطیری ایران دارد و از اوضاع پریشان جامعه و ستمی که ضحاک بر مردم روا داشته است گله می‌کند. «فکر کردم، مردها را گردن می‌زنند تا مارها زنده بمانند! چطور آژی‌دهاک می‌تواند بپذیرد که هزاران نفر برای آنکه او بتواند با نکبت زنده بماند، کشته شوند و دخترکی به‌خاطر دوگاو یا یک کوزه گندم بیشتر در خاک شود؟» (آرین، ۱۳۹۳: ج ۱: ۱۲۵)

آرین در این رمان «فقط هدف خود را بازنویسی شاهنامه قرار نداده؛ بلکه آن اثر را ابزاری برای بیان مسائل و معضلات شخصی و فردی انسان امروزی در نظر گرفته است» (بایور، ۱۳۸۵: ۶۹).

او با بیان عاطفی خود، خواننده را از وضعیت موجود آگاه کرده و او را به مبارزه با ستم دعوت می‌کند. در رمان راز کوه پرنده رستم و سیاوش برای نجات کیکاووس راهی مازندران شده، موانع زیادی را پشت سر می‌گذارند. رستم بی‌کفایتی کیکاووس و رنج مردم جامعه را مورد انتقاد قرار می‌دهد و از اینکه به‌جای پادشاه، او بار اجتماع و بار آسایش مردان و زنان کشور را به دوش می‌کشد، شکوه می‌کند. (آرین، ۱۳۹۱، ج ۲: ۱۵۷)

۲-۳-نوستالوژی

نوستالوژی یا غم غربت اصطلاح روان‌شناسی است که به حسرت بر گذشته و بیگانگی با واقعیات موجود اطلاق می‌شود و بر پایه آن شاعر یا نویسنده یاد گذشته و یا سرزمینی را که در ذهن دارد، دردآلود بیان می‌کند. «هرگاه عرصه زندگانی چنان بر انسان تنگ شود که او نتواند از آنچه هست و دارد، لذت و رضایتی حاصل کند، ناگزیر می‌شود مسیر آرزومندی و آرمان‌جویی را طی نماید. آرمان‌های انسانی یا پیش روی قرار می‌گیرند یا پشت سر می‌مانند. هرگاه ذهن به گذشته رجوع کند و اسباب رهایی خود را از دل‌تنگی، در گذشته، جستجو نماید، حسرت گذشته یا آنچه «نوستالوژی» نامیده می‌شود، در او پدید می‌آید.» (علی‌زاده و باقی‌نژاد، ۱۳۹۱: ۱۷۶)

مؤلفه‌های اصلی آن را می‌توان در دل‌تنگی برای گذشته، گرایش به بازگشت به وطن، بیان خاطرات همراه با حسرت، اسطوره‌پردازی، آرکائیسیم و پناه‌بردن به آرمان‌شهر خلاصه کرد. (عالی عباس آباد، ۱۳۸۷: ۱۵۷) نوستالوژی به دو نوع اجتماعی و فردی تقسیم شده است:

۲-۳-۱-نوستالوژی اجتماعی

در نوستالوژی اجتماعی آنچه شاعریا نویسنده بر آن حسرت می‌خورد، دردهای یک جامعه است. یادآوری دوران خوب گذشته، حسرتی همگانی را در ذهن‌ها زنده می‌کند. «بدیهی است که این نوع دل‌تنگی زمانی به وجود می‌آید که در جامعه ارزش‌ها، بی‌ارزش و جامعه از لحاظ فرهنگی و سیاسی دچار تزلزل شده باشد.» (عباسی و فولادی، ۱۳۹۲: ۶۵). این نوع از نوستالوژی را در رمان سه‌گانه "پارسیان و من" به وضوح می‌توان مشاهده نمود. در این داستان سفر به گذشته ایران صورت می‌گیرد و راوی با یادآوری عظمت تاریخی ایران، بر ارزش‌ها و شکوه از دست رفته آن حسرت می‌خورد. در رمان کاخ اژدها پدر اردشیر از آبادانی ایران در زمان جمشیدشاه سخن می‌گوید و چگونه سبب شد تا نور و برکت خداوندی از این سرزمین گرفته شود و مزرعه‌ها و گله‌ها یکباره از بین بروند؟! با یادآوری این خاطرات حسرت بر گذشته درون پدر زنده می‌شود: «اینجا سرزمین آبادی بود. آنچه که تو امروز می‌بینی هزار برابر کن تا به همه آنچه بوده پی ببری. گندم‌زارهایش طلایی و بی‌انتها و گله دام‌هایش چنان پر تعداد بود که چمنزارهای وسیع برای سیرکردنشان علوفه کم می‌آورد. اینها خاطرات گذشته است یعنی زمانی که جمشید پادشاه بود.» (آرین، ۱۳۹۱، ج ۱: ۳۶)

در رمان راز کوه پرنده رستم بر بی‌کفایتی‌های کاووس و از بین رفتن نام و نشان پهلوانان کشور

دریغ خورده و ایران را نیازمند بیداری می‌داند. «دریغا که من تنها در سال‌هایی کوتاه در این سرزمین زندگی خواهم داشت. زمانی که دیگر از پهلوانان نام‌ونشانی باقی نماند وضع روزبه‌روز بدتر خواهد شد. در.» (آرین، ۱۳۹۱، ج ۲: ۱۸۳)

۲-۳-۲--نوستالوژی فردی

در این نوع از نوستالوژی شاعر یا نویسنده لحظاتی از گذشته خود را ترسیم کرده بر آن حسرت می‌خورد. (انوشه، ۱۳۷۶: ۱۳۹۵) یاد و خاطره کلیه حوادثی که در زندگی فرد پیش آمده باعث می‌شود شخص در فضای گذشته خود به سر ببرد. این نوع از نوستالوژی در رمان‌های مورد مطالعه به صورت حسرت بر دوران کودکی و جوانی و یاد عزیزان نمایان شده است. در رمان عقاب‌های تپه شصت احمد و دوستانش برای تماشای طبیعت به صحرا رفته با یکدیگر در دست کردن دسته‌گل مسابقه می‌دهند. هنگام چیدن گل‌ها یاد بچه‌هایی که شهید شده‌اند در ذهن ناصر تداعی می‌شود. «حیف که خیلی از آن بچه‌ها دیگر در بین ما نیستند... با نگرانی می‌پرسم: چرا؟ چند گل زیبا را از میان دسته‌گلش بیرون می‌کشد و می‌گوید بعضی‌هاشان از اینجا رفتند. دو نفر هم شهید شدند.» (بایرامی، ۱۳۸۸: ۳۶).

مرادی کرمانی در داستان خود به ندرت احساس دل‌تنگی می‌کند و در جایی هم که بیان می‌کند «غم غربت، بیکاری، گرسنگی، سرخوردگی گریبانم را گرفته بود» (مرادی کرمانی، ۱۳۸۴: ۳۴۴) به سرعت از بیان احساس خود عبور می‌کند گویی حتی در کلام مرادی کرمانی نیز بی‌کسی او نهفته است و بر از دست دادن لحظات کودکی تلخ خود یا دوری از سیرج حسرت نمی‌خورد. این نوع از نوستالوژی در رمان رستاخیز فرامی‌رسد نیز نمایان شده است. بردیا بعد از اینکه بهار را سوار بر اسب می‌کند و فرار می‌کنند باعث مرگ او می‌شود و یاد و خاطرات گذشته با بهار همیشه در ذهن او تداعی می‌شود و برگزیده از دست رفته حسرت می‌خورد حتی زمانی که آتوسا خواهر خود را می‌بیند یاد بهار در ذهن او زنده می‌شود (آرین، ۱۳۹۱، ج ۳). این احساسات بردیا خواننده نوجوان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و با برانگیختن احساسات مخاطب، جذابیت داستان را افزایش می‌دهد.

۲-۴-۲-مرثیه

مرثیه از انواع ادبی کهن است که از دیرباز در ادبیات ملت‌های گوناگون همچون اعراب و یونانیان، در مفهوم سوگ بر عزیزان از دست رفته است و از این نظر می‌توان گفت مرثیه یک

نوع ادبی جهانی است که محتوای آن در ادبیات تمامی ملت‌های جهان مشترک است. مرثیه سخنی تأثرانگیز است. از آنجا که مرثیه از دلی سوخته و جانی انده‌گین برخاسته و با بیانی ساده و عاطفی بازگوکننده احساسات درونی و واقعی شاعر است، در شمار زیباترین و ماندگارترین اشعار فارسی ست. (رستگار فسائی، ۱۳۸۰: ۱۷۲) مرثیه توسط نویسندگان پارسی زبان در قرن پنجم به تقلید از خطبه‌هایی که عرب زبانان در رثای عزیزان خود ایراد کرده‌اند، به متون نثر فارسی راه یافته است. (اسلامی سنجید، ۱۳۹۵: ۱)

مرثیه سه بار در آثار آرمان آراین نمایان شده است. رستم توسط برادر خود شغاد در چاه انداخته شده به قتل می‌رسد. نویسنده با جملات کوتاه و عاطفی خواننده را تحت تأثیر مرگ رستم قرار می‌دهد. « او هرگز به قرص ماهی که در آسمان آن شب، درخشیدن آغاز کرد، نرسید. ایران دیگر رستم نداشت... اشک، چشمانم را می‌سوزاند» (آراین، ۱۳۹۱، ج ۱: ۲۸۲). در رمان کاخ ازدها سواران ماردوش به خانه هیکتانیس (مادربزرگ ماننا) حمله می‌کنند. اسفندیار، اردشیر را به زور به میان بوته‌ها می‌کشد تا سواران ماردوش آنها را نبینند. اردشیر که از پشت بوته‌ها شاهد مرگ ماننا و مادربزرگش است، صحنه کشته شدن آنها را چنین توصیف می‌کند. « برقی در هوا جهید و در سینه ماننا نشست! ماننای من؟!... ماننای کوچک من؟!...»

حالا چشم و صورتم از اشک می‌سوخت، گویی آتش از چشمانم زبانه می‌کشید. آیا اینها واقعی بود؟!... مادربزرگ مرده بود! ماننا نیز!... دختر آرزوهای من... دختر آینده من!...» (آراین، ۱۳۹۱، ج ۲: ۱۲۴). نویسنده در این داستان با استفاده از شگردهای تصویر سازی بیان احساسات خود را در رثای معشوق مؤثر نموده است. با کاربرد واژگانی مانند اشک، زبانه، آتش، فضای غم و اندوه برای خواننده تداعی می‌شود؛ همچنین با بهره‌گیری از جملات پرسشی که نمایانگر عدم باور پذیری مرگ ماننا توسط اردشیر است، خواننده را تحت تأثیر درد درونی خود قرار می‌دهد. در رمان رستاخیز فرا می‌رسد، نویسنده با استفاده از همین شیوه احساسات بردیا را در رثای بهار چنین بیان می‌کند: « دیگر کدام آرامش برای من معنا داشت؟ وقتی فکر می‌کردم که بهار نازنینم سپر من در برابر آن تیر بوده است، وجودم آتش می‌گرفت. دیگر آیا هیچ لقمه‌ای بدون بوسه‌های از صمیم دل او از گلوی من پایین می‌رفت؟!...» (آراین، ۱۳۹۱، ج ۳: ۱۷۰) در رمان سنگ اندازان غار کبود نویسنده از ماجرای تیر خوردن و مرگ رضا به آسانی عبور کرده است. به نظر می‌رسد، اگر احساسات مادر رضا در هنگام

مرگ فرزندش دقیق‌تر توصیف می‌شد، عنصر عاطفه در این رمان تقویت می‌شد و تأثیر بیشتری بر خواننده می‌گذاشت. «زن‌ها حاج و واج، اشک می‌ریختند و صدای لرزان مادر رضا می‌آمد که گریه نمی‌کرد. آغی می‌خواند و با رضایش حرف می‌زد. از قد و بالایش می‌گفت و از کاکلش که توی سرباز خانه چیده بودند. آرام و یکنواخت می‌خواند. مثل زنهایی که با مرده‌هایشان حرف می‌زنند و می‌دانند که بر نمی‌گردد» (غفارزادگان، ۱۳۸۱: ۸۱).

۲-۵-عشق

عشق یکی از نیروهای به هم پیوستگی است که موجب انسجام درونی وجود می‌شود و جسم و روان و خودآگاهی و ناخودآگاهی را هماهنگ می‌سازد، راهبر و رهنمون احساسات می‌گردد، مؤید خصایل جنسی و جسمانی و اخلاقی است و آدمی را با جهان پیرامون سازش می‌دهد و تضادهای اجتماعی را از میان برمی‌دارد. (آلندی، ۱۳۷۸: ۹) نوجوانی، سنی است که احساسات عاشقانه فرد شکوفا می‌شود و رمان ابزار مناسبی برای هدایت این امیال در شخص می‌باشد. در این دوره میل جنسی به شدت ظهور می‌کند بنابراین نوجوان به خواندن کتاب‌ها و نوشته‌هایی علاقه‌مند می‌شود که به عشق و عاشقی مربوط باشد و باید به‌جای منع نوجوان از خواندن چنین کتاب‌هایی، آثاری را در اختیار آنها قرار داد که ارتباط صحیح و معقول را به آنها بیاموزد و آنها را به سمت زندگی سالم هدایت کند (شعاری نژاد، ۱۳۷۸: ۸۷). استرنبرگ (Sternberg) از کسانی است که در زمینه عشق به تحقیق و پژوهش پرداخته است. وی در سال ۱۹۸۶ پرسشنامه‌ای تهیه کرده، در اختیار گروه‌های مختلف با روابط متفاوت مثل برادر، خواهر، زن و شوهر، والدین و فرزند، قرار داد و مشاهده کرد که نوع واکنش و احساس افراد در انواع مختلف روابط صمیمانه متفاوت است؛ به عنوان مثال نوع عقاید و احساسات یک مادر به فرزند و یا فرزند به مادر، متفاوت از کنش و احساسات یک عاشق و معشوق نسبت به یکدیگر است. در نهایت تحلیل نتایج وی نشان داد که عشق یک حالت روان‌شناختی است که دارای سه جزء شوریدگی، صمیمیت و تعهد می‌باشد. که ترکیب این سه مؤلفه انواع مختلف عشق مانند عشق رمانتیک، شراکتی، عشق کور، شیدایی، دوست داشتن و عشق کامل را به وجود می‌آورد. در گونه‌های مختلف عشق، این مؤلفه‌ها به صورت مختلفی با هم ترکیب می‌شوند؛ به عنوان مثال ویژگی عشق رمانتیک، صمیمیت به علاوه شور و شهوت است. ویژگی عشق احمقانه یا بلاهت‌آمیز، تعهد است که تنها شهوت به آن دامن می‌زند و

عشق کامل یا تمام‌عیار آمیزه‌ای از همه این مؤلفه‌های سه‌گانه صمیمیت، هوس و تعهد است. (رفیعی‌نیا و اصغری، ۱۳۸۶: ۴۹۴). به اعتقاد استرنبرگ سه بعد عشق به ندرت در فردی به طور مساوی جمع می‌شود و از نحوه ترکیب سه بعد عشق، هشت حالت به وجود می‌آید:

۱- فقدان عشق: زمانی است که ابعاد سه‌گانه عشق در روابط افراد بسیار کم‌رنگ است. ۲- مهر و علاقه: زمانی است که فقط عامل صمیمیت وجود داشته باشد. ۳- دل‌باختگی: فرد به شدت مجذوب دیگری شده در حالی که خبری از تعهد و صمیمیت واقعی وجود ندارد. در این نوع از عشق درجه بالایی از برانگیختگی فیزیولوژیکی و روانی وجود دارد و با وصال معشوق به پایان می‌رسد. ۴- عشق تهی: در این نوع از عشق فقط بعد تصمیم- تعهد وجود دارد. ۵- عشق آرمانی: ترکیبی از صمیمیت و شوریدگی است و بر اساس جذابیت فیزیکی و عاطفی است. به دلیل نداشتن تعهد، امکان تداوم آن کم است. ۶- عشق رفاقتی: ترکیبی از صمیمیت و تعهد است. یک رابطه دوستانه پایدار، طولانی مدت و متعهدانه که همراه با مقدار زیادی صمیمیت است. ۷- عشق ابلهانه: که از شوریدگی و تصمیم-تعهد تشکیل شده است. افراد در نگاه اول عاشق شده خیلی زود بدون آنکه همدیگر را بشناسند، به داشتن یک رابطه طولانی مدت متعهد می‌شوند. ۸- عشق کامل: ترکیبی از سه حالت صمیمیت، شوریدگی و تعهد-تصمیم است (فرحبخش و شفیع‌آبادی، ۱۳۸۵: ۴-۶) در این بخش انواع عشق و کیفیت پرداختن نویسندگان رمان نوجوان به این موضوع مورد تحلیل قرار می‌گیرد:

۲-۵-۱- فقدان عشق

مرادی کرمانی در رمان شما که غریبه نیستید، از نبود عشق در زندگی هوشنگ سخن می‌گوید که به خاطر نداشتن پدر و مادر و زیبایی کسی او را دوست ندارد: «دلم می‌خواهد عاشق شوم... دلم می‌خواهد کسی هم عاشق من بشود؛ اما هیچ‌کس عاشقم نمی‌شود» (مرادی کرمانی، ۱۳۸۴: ۲۹۲).

۲-۵-۲- عشق ابلهانه

در رمان کاخ اژدها اردشیر با ماننا دوست می‌شود و پس از مدت کوتاهی به او دل بسته، پیشنهاد می‌دهد که بعد از بزرگ شدن هر دوی آنها با هم ازدواج کنند. این تصمیم بدون شناخت کافی و حتی نظارت والدین صورت می‌گیرد؛ به طوری که خود اردشیر هم از عدم مشورت با خانواده

ناراحت است و در نهایت با توجیه خود را دل‌داری می‌دهد. «من به او گفتم که می‌خواهم او بعداً که بزرگ شدیم، زن من بشود و ما با هم به گوشه‌ای بسیار دور از مردم برویم و دور از همه. کاخی را که او دوست داشت بسازیم و راحت و خوشبخت زندگی کنیم» (آرین، ۱۳۹۱، ج ۱: ۱۱۵). به نظر می‌رسد چنین عشقی تصویر یک علاقه کامل را به نوجوان نشان نمی‌دهد.

۲-۵-۳- دل‌باختگی

در رمان عقرب‌های کشتی بمبک، خلو بر اساس شور و هیجانات دوره نوجوانی ابتدا گل‌دونه دختر همسایه را دیده به او دل می‌بندد؛ اما پس از مدتی با دیدن شیرین، گل‌دونه را فراموش کرده، فریفته جذابیت‌های ظاهری شیرین می‌شود. «من کلاً آدم خائنی نیستم. ولی فکر کردم این گل‌دونه دختر پاسبانه همچی چیز دندان‌گیری هم نیست. فقط نگاهش آدم را آتش می‌زند.» (حسن‌زاده، ۱۳۸۸: ۷۳) شیرین به خلو توجهی نشان نمی‌دهد و از طرفی گل‌دونه با گذاشتن انگشتر خود در ظرف آش به او ابراز علاقه می‌کند. خلو باز از شیرین دل‌کنده به گل‌دونه ابراز علاقه می‌کند.

در رمان راز کوه پرنده زمانی که سیاوش و رستم با زن جادوگر و دخترانش مواجه می‌شوند در نگاه اول شیفته آنها می‌شوند. سیاوش با دیدن گلناز و زیبایی‌های او، به شدت دل‌باخته او شده نمی‌تواند فکر خود را از او رها کند و شدیداً آرزو می‌کند که رستم به تنهایی برای نجات پدرش کیکاووس به مازندران برود و او نزد گلناز بماند و گلناز با وعده وصال خود شیفتگی او را بیشتر می‌کند. توصیفاتى که از او دارد، نمایان‌گر این موضوع است. «نگاهش مثل یک تکه ذغال گداخته، بر وجودم می‌افتاد و هستی‌ام را آتش می‌زد. این‌را خودش هم خیلی خوب فهمیده بود و هرچه بیشتر می‌کوشید تا زبانه‌های آتش را تندتر و تیزتر بکند.» (آرین، ج ۲، ۱۳۹۱، ج ۲: ۹۱)

۲-۵-۴- مهر و محبت

این نوع از عشق فقط بعد مهر و محبت را دارا می‌باشد. علاقه به همنوع، حیوانات و... را می‌توان در این گروه قرار داد. در رمان لالایی برای دختر مرده، شیرین با خواندن سرگذشت دختران قوچان و فقر و ظلم حاکم بر جامعه به شدت تحت تأثیر قرار می‌گیرد و با یادآوری مشکلات آنها غذا نمی‌خورد. «دنیای من تاریک شده. احساس می‌کنم یک جایی همین نزدیکی‌ها دارد اتفاق بدی می‌افتد. یکی دارد غصه می‌خورد، یکی به کمک احتیاج دارد. برنج نمی‌خورم. وقتی مادر برنج را آبکش می‌کند، حالم خراب می‌شود. چرا آب برنج را همین‌جوری توی ظرف‌شویی می‌ریزد؟ میرزا

جعفرخان صدای گریه‌ها را شنیده بود وقتی پلو را توی بشقاب‌ها می‌کشیدند. یک نفر گریه می‌کند. جایی همین نزدیکی» (شاه‌آبادی، ۱۳۸۷: ۱۶)

۲-۵-۵- عشق رفاقتی یا همدلانه

این گونه عشق که معمولاً دو بعد صمیمیت و تعهد را دارد، بین والدین و فرزندان و اعضای نزدیک خانواده در جریان است. در رمان‌های نوجوان معمولاً با این نوع از عشق بیشتر مواجه می‌شویم. نویسندگان رمان نوجوان برای فرار از خط قرمزهای عشق در سن نوجوانی کمتر به عشق به جنس مخالف پرداخته‌اند و این نوع از عشق را بیشتر نمایان ساخته‌اند.

حسن‌زاده در رمان هستی، این نوع از عشق را در رابطه هستی با مادر و دایی‌اش آشکار ساخته است. دایی جمشید به جای پدر هستی به خواسته‌ها و علایق هستی توجه می‌کند؛ از این جهت در سراسر رمان وابستگی و علاقه شدید هستی به دایی‌اش آشکار شده است. زمانی که هستی و خانواده‌اش به ماهشهر می‌روند، جدایی از دایی برای هستی سخت است. «توی راه دایی حواسش نبود. ولی من سفت بغلش کرده بودم و بهش چسبیده بودم... نمی‌دانم چه حسی داشتم. دایی فهمید. دایی خبر داشت چقدر دوستش دارم که گفت: جلوی عطسه بگیر هستی خانم و آلا تصادف می‌کنیم. با صدایی که به زور از گلویم درمی‌آمد. گفتم: «ایشا... کی می‌بینمت دایی؟ گفت: هروقت اراده کنی پیشتم ولی سعی کن حالا حالاها اراده نکنی. آخه مو حالا حالاها کار دارم.» (حسن‌زاده، ۱۳۹۳: ۸۹) غفارزادگان (۱۳۸۱، ۸۱) عشق مادر به فرزند را هنگام از دست دادن او به تصویر می‌کشد و بایرامی (۱۳۸۷: ۲۶۸) علاقه فتاح به خانواده‌اش را هنگام از دست دادن آنها در زلزله نمایان ساخته است.

۲-۵-۶- عشق کامل

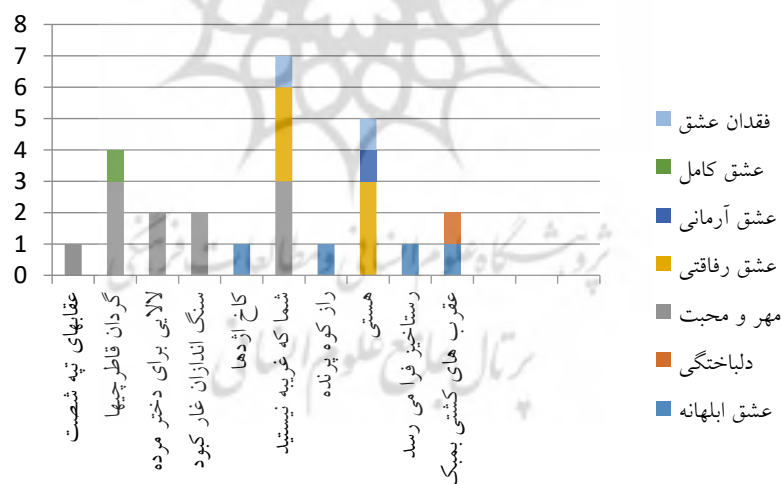
این نوع از عشق که ترکیبی از سه عامل صمیمیت، شوریدگی و تعهد است فقط در گردان قاطرچی‌ها مشاهده شده است؛ البته در این داستان نیز شاه‌آبادی ویژگی‌های عشق کامل را نشان نداده است. او با زبانی طنزآمیز احساسات یوسف را هنگام دیدن نامزدش چنین توصیف می‌کند: «او پس از ماه‌ها، چشمان خیس و معصوم او را دید چنان دچار احساسات شد که ناگهان قلبش با شدت و حرارت زیادی شروع به کار کرد... یوسف انگار که جادو شده باشد، نمی‌توانست چشم از مارال بردارد و این وسط که یکی از دکترها هول کرده بود بدون توجه به چشمان باز و پر عشق و ارادت یوسف

پشت سر هم فریاد می‌زد: «قلبش از کار افتاده داره تموم می‌کنه یه کاری بکنید پس این دستگاه شوک کجا موند؟» (شاه‌آبادی، : ۳۸) در این داستان قبل از اینکه یوسف بگوید که افزایش ضربان قلبش ناشی از دیدن مارال است، دستگاه شوک به سینه‌اش می‌چسبد و «هجوم سوزن‌وار برق چنان بلایی سرش آورد که عشق و عاشقی از یادش رفت و دوباره به زندگی عادی برگشت» (همان: ۳۹) گویی شاه‌آبادی نیز با زبان طنزآمیز از بیان این ویژگی‌ها سرباز زده است و چیزی که بیشتر مخاطب نوجوان را به خود جلب می‌کند طنز این ماجراست نه احساسات دوطرف.

۲-۵-۷-عشق آرمانی

در این نوع از عشق که در رمان هستی نمایان شده است شوریدگی و صمیمیت وجود دارد؛ اما خالی از تعهد است. در این داستان هستی به شاپور دل می‌بندند؛ اما نویسنده با ختم کردن سرنوشت شاپور به شهادت، مانع از وصال آنها به یکدیگر می‌شود. (حسن‌زاده، ۱۳۹۳: ۲۶۲) و عشق او را به عشقی آرمانی تبدیل می‌کند.

نمودار عشق در رمان نوجوان

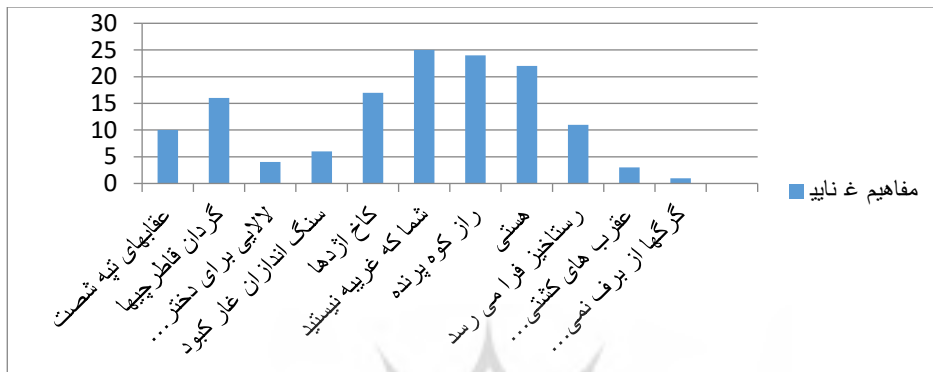


۲-۶-طنز

طنز شعر یا نثری است که به گونه‌ای ملایم کاستی‌ها و معایب اجتماع را نشان می‌دهد. «طنز کاستن از مقام و کیفیت کسی یا چیزی است به نحوی که باعث خنده و سرگرمی شود و گاهی در آن تحقیر باشد.» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۲۳۸) در ادبیات کودک و نوجوان آثار طنز چندانی به دلیل تفاوت‌هایی که با طنز بزرگسال دارد، تولید نشده است. به اعتقاد حسن‌زاده طنز برای کودکان بیشتر به قصد خندانندن و شوخی با جهان پیرامون و به چالش کشیدن ذهن خیال‌انگیزشان است. (حسن‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۰۴).

امیریان در رمان گردان قاطرچی‌ها، با استفاده از زبان طنزآمیز، تشبیه، کنایه و... تصاویر شادی برای خواننده نوجوان به وجود می‌آورد. زمانی سیاوش مورچه‌های آتشی را در عرقچین کربلایی قرار می‌دهد، این‌گونه توصیف شده است: «هنوز کربلایی رکعت اول رو نخونده بود که متوجه شدم به طرز عجیبی پیچ و تاب می‌خوره؛ هی الله‌اکبر می‌گه و شترق با کف دستش به پس‌گردن و پک و پهلوش می‌کوبه. رفت به رکوع و سجده، برای رکعت دوم که بلند شدیم، دیدم خرت خرت شکم و پهلوش رو می‌خارونه و هی الله‌اکبر می‌گه. مثل آدمی که روی آتیش ایستاده باشه، هی این پا و اون پا می‌کرد... چشمم به یک‌گله مورچه آتشی و ندان‌گرازی افتاد که تو یقه و لباس کربلایی وول می‌خوردن. چندتا مورچه محکم از دماغ و گوشش گرفته بودند و جدا نمی‌شدند. با چه بدبختی دونه به دونه مورچه‌ها روازگوشت تن کربلایی جد اکرديم. چه آه و ناله‌هایی می‌کرد. لازم نبود بگه کارکی بوده. همه می‌دونستیم کی این آتیش روبه‌پا کرده. رفتیم سراغ سیاوش» (امیریان، ۱۳۹۰: ۱۱). حسن‌زاده نیز در رمان هستی با استفاده از شگردهای مختلف طنزپردازی، صحنه‌های شاد و خنده‌دار را برای نوجوانان به تصویر کشیده است. «دکتر دستی به ریش بزى و غبغش کشید و گفت می‌خواى آن دستت را هم گچ بگیریم؟ تو دلم گفتم هه هه چه خنک و به ریش بزى اش که عینهو موکت چسبیده بود بر روی چانه‌اش... مامان داشت برای دکتر ریش بزى از شاهکارهایم می‌گفت.. گفتم چی می‌گفت این آقای ریش فعال؟ با خنده گفت: مؤدب باش. داشت درباره بچه‌های بیش‌فعال حرف می‌زد.» (حسن‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۱۵).

نمودار کلی مضامین غنایی در رمانهای نوجوان



۳- نتیجه

رشد احساسات در مفهوم گسترده یکی از ویژگی‌های دوره نوجوانی است که نویسندگان رمان نوجوان باید در آثار خود آن را مورد توجه قرار دهند. مفاهیم غنایی در این آثار به صورت: توصیف، شکواییه، نوستالوژی، مرثیه، عشق و طنز نمایان شده است. بعضی از آثار مثل گرگ‌ها از برف نمی‌ترسند، عقرب‌های کشتی بمبک، سنگ‌اندازان غار کبود، و لالایی برای دختر مرده کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند و مفاهیم غنایی در آنها اهمیتی ثانویه یافته است. بسامد مفاهیم غنایی در رمان‌های شما که غریبه نیستید، راز کوه پرند و هستی بیشتر از سایر آثار است. نویسندگان از توصیف خصوصاً وصف طبیعت بهره بیشتری برده‌اند و مرثیه در این آثار نمود کمتری داشته است. عشق بیشتر به صورت مهر و محبت و عشق رفاقتی نمود یافته است. مواردی هم که از عشق به جنس مخالف سخن به میان آمده است، ویژگی‌های عشق کامل بیان نشده است و بیشتر عشق‌ها از نوع ابلهانه و دل‌باختگی است که در نهایت نیز به وصال نمی‌رسند و نویسنده با دست نیافتن به وصال که معمولاً هم با مرگ معشوق همراه است، داستان خود را به پایان می‌رساند؛ به نظر می‌رسد نویسندگان نوجوان به این نوع غنایی آن‌گونه که باید نپرداخته‌اند و تصویر روشنی را از عشق کامل به نوجوان ارائه نکرده‌اند. یک مورد از عشق کامل در گردان قاطرچی‌ها یافت شد. در این داستان نیز ویژگی‌های عشقی که مورد نیاز نوجوانان است، بیان نشده است و با استفاده از زبان طنز، از آن عبور کرده است. باتوجه به اینکه نوشتن طنز برای نوجوان کار سختی است این نوع غنایی فقط در

آثار حسن زاده و امیریان به چشم می خورد. نویسندگان هر دو داستان با استفاده از شگردهای مختلف، تصاویر خنده دار و شادی را برای نوجوانان ترسیم کرده اند که بر جذابیت داستان آنها می افزاید.

۴- منابع

- ۱- اسلامی سنجید، مصطفی، بررسی تحلیل و طبقه بندی سوگواره ها در چهار کتاب تاریخ بیهقی، تاریخ جهانگشای جوینی، نفثه المصدور و التوسل الی الترسل، پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۹۵.
- ۲- امیریان، داوود، گردان قاطرچی ها، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۹۰.
- ۳- انوشه، حسن، نوستالوژی، دانشنامه ادب فارسی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۶.
- ۴- آلودی، رنه، عشق، ترجمه جلال ستاری، تهران: توس، ۱۳۷۸.
- ۵- آرین، آرمان، پارسیان و من: کاخ ازدها، ج ۱، تهران: موج، ۱۳۹۱.
- ۶- _____ پارسیان و من: راز کوه پرنده، ج ۲، تهران: موج، ۱۳۹۱.
- ۷- _____ پارسیان و من: رستاخیز فرا می رسد، ج ۳، تهران: موج، ۱۳۹۱.
- ۸- بایرامی، محمدرضا، گرگ ها از برف نمی ترسند، تهران: قدیانی، ۱۳۸۷.
- ۹- _____ عقاب های تپه شصت، تهران: انتشارات سوره مهر، ۱۳۸۸.
- ۱۰- پایور، جعفر، نقد و بررسی آثار اسطوره ای حماسه کهن و قابلیت روش بازنویسی و بازآفرینی خلاق به انواع جدید ادبی، کتاب ماه کودک و نوجوان، شماره ۱۰۲، صص: ۶۹-۶۴، ۱۳۸۵.
- ۱۱- حاکمی، اسماعیل، تحقیق درباره ادبیات غنایی ایران (انواع شعر غنایی)، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.
- ۱۲- حسن زاده فرهاد، عقرب های کشتی بمبک، تهران: افق، ۱۳۸۸.
- ۱۳- _____ طنز کودک و نوجوان، نشریه انشا و نویسندگی، شماره ۲۹، ۱۰۸-۱۰۲، ۱۳۹۱.
- ۱۴- _____ هستی، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۹۳.
- ۱۵- خدایاری فرد، محمد، مسائل نوجوانان و جوانان، تهران: انتشارات اولیا و مریان، ۱۳۹۰.
- ۱۶- خلیلی، اکبر، بررسی برخی از عناصر عاطفه در شعر کودک و نوجوان، هشتمین همایش بین المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران، زنجان: انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران، ۱۳۹۲.
- ۱۷- رزمجو، حسین، انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی، ۱۳۸۵.
- ۱۸- رستگار فسائی، منصور، انواع شعر فارسی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۰.

- ۱۹- رفیعی‌نیا، پروین و اصغری، آرزو، رابطه بین انواع عشق و بهزیستی ذهنی در دانشجویان متأهل، مجله دانشگاه شهید بهشتی، شماره نهم، دوره سوم، ۴۹۱-۵۰۱، تهران: ۱۳۸۶.
- ۲۰- پارسا، رضائی، بررسی تطبیقی ادبیات غنایی فارسی و انگلیسی، پایان‌نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم، ۱۳۹۱.
- ۲۱- سرامی، قدمعلی، بٹ الشکوی، دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حدادعادل، تهران، ۱۳۷۵.
- ۲۲- شاه‌آبادی، حمیدرضا، لالایی برای دختر مرده، تهران: افق، ۱۳۸۷.
- ۲۳- شعاری‌نژاد، علی‌اکبر، ادبیات کودکان، تهران: اطلاعات، ۱۳۷۸.
- ۲۴- شمیسا، سیروس، انواع ادبی، تهران: فردوس، ۱۳۸۱.
- ۲۵- عالی عباس‌آباد، یوسف، غم غربت در شعر معاصر، پژوهش‌های ادب عرفانی، شماره ۶، ۱۸۰-۱۵۵، دانشگاه اصفهان: ۱۳۸۷.
- ۲۶- عباسی، محمود و فولادی، یعقوب، بررسی نوستالوژی در شعر منوچهر آتشی، مجله ادبیات پارسی معاصر، دوره ۳، شماره ۲، ۷۳-۴۳، پژوهشگاه علوم انسانی و معارف اسلامی، ۱۳۹۲.
- ۲۷- علی‌زاده، ناصر و باقی‌نژاد، عباس، قیصر امین‌پور و رویکرد نوستالوژیک، مجله شعرپژوهی، شماره ۱۲، ۲۰۴-۱۷۵، ۱۳۹۱.
- ۲۸- غفارزادگان، داوود، سنگ‌اندازان غار کبود، تهران: انتشارات سوره، ۱۳۸۴.
- ۲۹- فرحبخش، کیومرث و شفیق‌آبادی، عبدالله، ابعاد عشق‌ورزی براساس نظریه سه‌بعدی عشق در چهارگروه زوج‌های در مرحله نامزدی، عقد، ازدواج و دارای فرزند، مجله دانش و پژوهش در روان‌شناسی، شماره سی‌ام، ۲۰-۱، دانشگاه اصفهان (خوراسگان)، زمستان ۱۳۸۵.
- ۳۰- کبیرنژاد، معصومه، بررسی و تحلیل درون‌مایه عشق در رمان نوجوان بین سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۸۰، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۲.
- ۳۱- مؤتمن، زین‌العابدین، شعر و ادب فارسی، تهران: زرین، ۱۳۶۴.
- ۳۲- میرصادقی، جمال، عناصر داستان، تهران: سخن، ۱۳۸۵.
- ۳۳- واشقانی‌فراهانی، ابراهیم و ابراهیمی‌هژیر، معصومه، بررسی ارتباط احساس و عاطفه با داستان-نویسی نوجوان با موضوعیت دفاع مقدس، مجله سبک‌شناسی نظم و نثر، سال دهم، شماره ۳۸، ۴۰۴-۳۹۱، زمستان ۹۳.